

کتاب دانیال — شماره یکصد و بیست و هشت

اهمیت نبوی تعمید و وسوسه مسیح: آشکار ساختن ویژگی‌های سه قدرت جهانی

Jeff Pippenger

2024-03-10

مهر کردن در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد، هنگامی که فرشته نیرومند باب هجدهم مکاشفه فرود آمد. فرود او به واسطه فرود فرشته مکاشفه ۱۰ در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، و نیز به واسطه فرود روح القدس در تعمید مسیح، به صورت نمادین پیش‌نمایی شده بود. تعمید مسیح به نزول باران آخر در آینده اشاره دارد، آن‌گاه که بناهای عظیم شهر نیویورک فرو افکنده شدند. قدرت از اعلی آغاز شد، و نیز در همان زمان قدرت از اسفل (هاویه) آشکار می‌گردید، زیرا کلام خدا هرگز شکست نمی‌خورد.

هنگامی که مسیح تعمید یافت، بی‌درنگ به بیابان رفت و چهل روز روزه گرفت، پس از آن شیطان او را با سه وسوسه آزمود. هر یک از آن سه وسوسه، نمودار ویژگی‌های اصلی هر یک از آن سه قدرتی است که جهان را به آرماگدون رهبری می‌کنند. آن سه وسوسه عبارت بودند از تکبر، که از ویژگی‌های اژدهاست؛ اشتها، که از ویژگی‌های وحش است؛ و جسارت آزمونگرانه، که از ویژگی‌های نبی کاذب است. تکبر و خودبزرگ‌بینی در توصیف کلاسیک اشعیا به وسیله لوسیفر به تصویر کشیده شده‌اند.

چگونه از آسمان فرو افتاده‌ای، ای لوسیفر، پسر صبح! چگونه به زمین افکنده شده‌ای، تو که ملت‌ها را ناتوان می‌ساختی! زیرا در دل خود گفتی: «به آسمان صعود خواهم کرد، و تخت خویش را بر فراز ستارگان خدا برپا خواهم داشت؛ و بر کوه جماعت نیز خواهم نشست، در اقصای شمال؛ از بلندی‌های ابرها بالاتر خواهم رفت؛ و مانند حضرت اعلی خواهم شد.» اما به هاویه فرود آورده خواهی شد، به ژرفای هاویه. آنان که تو را ببینند، به دقت بر تو خواهند نگریست و در تو تأمل خواهند کرد و خواهند گفت: «آیا این همان مردی است که زمین را به لرزه درمی‌آورد، که پادشاهی‌ها را می‌لرزاند؟» اشعیا ۱۴:۱۳-۱۶

پانچ مرتبه لوسیفر این دل میں اعلان کرتا ہے: "میں کروں گا۔" شیطان، جسے کبھی "نور بردار" (لوسیفر) کہا جاتا تھا، اور جو اب فقط تاریکی ہی کا حامل ہے، وہی ہے "جس نے قوموں کو لرزا دیا تھا۔" نبوتی طور پر اس کا تعلق "قوموں" کے ساتھ ہے، کیونکہ وہ قوموں کی شریر متحدہ جماعت کا رہنما ہے، اور تاجروں کی اُس متحدہ انجمن کا بھی جو مکاشفہ کے ابواب سترہ اور اٹھارہ میں مذکور ہے۔

«پادشاہان و حاکمان و فرمانروایان، نشان ضد مسیح را بر خود نهاده‌اند، و به صورت اژدهایی تصویر شده‌اند که می‌رود تا با مقدسان جنگ کند—با آنان که احکام خدا را نگاه می‌دارند و ایمان عیسی را دارند.» شهادت‌ها برای خادمان، 38.

در تعمید مسیح، روح القدس نازل شد، که نمونه‌ای از دوره پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بود. پس از تعمید او، شیطان مسیح را وسوسه کرد و به او پیشنهاد داد قدرتی را که خود برای فرمانروایی بر پادشاهی‌های جهان به کار می‌برد به مسیح ببخشد، زیرا در سقوط آدم، شیطان حاکم پادشاهی‌های جهان شده بود.

اور ابلیس او را بر کوهی بسیار بلند برد و در لحظه‌ای از زمان، همه ممالک جهان را به او نشان داد. و ابلیس بدو گفت: تمام این قدرت و جلال آنها را به تو خواهم داد، زیرا اینها به من سپرده شده است و آن را به هر که بخواهم می‌دهم. پس اگر تو مرا سجدہ کنی، همه از آن تو خواهد بود. و عیسی در پاسخ او گفت: ای شیطان، از من دور شو، زیرا مکتوب است: خداوند، خدای خود را سجدہ خواهی کرد و تنها او را عبادت خواهی نمود. لوقا ۴:۵-۸.

دو ویژگی اصلی روم پاپی (وحش)، یکی زنای او و دیگری «خوراک» و نوشیدنی مسمومی است که توزیع می‌کند.

با این همه، چند چیز بر تو دارم، زیرا آن زن، ایزابل را که خود را نبیه می‌خواند، و می‌گذاری که بندگان مرا تعلیم دهد و ایشان را بفریبد تا مرتکب زنا شوند و از قربانی‌های بت‌ها بخورند. مکاشفه ۱۴:۲.

«غذا» و نوشیدنی‌ای که او فراهم می‌آورد، تعالیم باطل اوست.

«گناه عظیمی که بر بابل نسبت داده شده این است که او «همه امت‌ها را از شراب خشم زنا خود نوشانید.» این جام مستی که او به جهان عرضه می‌کند، نمایانگر تعالیم کاذبی است که در نتیجه پیوند نامشروع خود با بزرگان زمین پذیرفته است.» The Great Controversy, 388.

هیولای کاتولیسیم نیز جهان را به واسطه جادوگری‌های خود فریب می‌دهد، که این نیز بار دیگر چیزی است که به طور درونی اخذ می‌شود.

اور شمع کا نور تجه میں پھر کبھی نہ چمکے گا؛ اور دولہا اور دلہن کی آواز تجه میں پھر کبھی نہ سنی جائے گی؛ کیونکہ تیرے سوداگر زمین کے بڑے لوگ تھے؛ کیونکہ تیری جادوگری کے سبب سب قومیں گمراہ ہوئیں۔ مکاشفہ 18:23.

واژه یونانی که به «جادوگری‌ها» ترجمه شده است، pharmakeia است، به معنای داروها. جام زرین در دست او، نه تنها نمایانگر جامی برای نوشیدن شراب است، بلکه همچنین جامی را نمایندگی می‌کند که در آن معجون‌های جادویی پزشکی او آماده و عرضه می‌شود. در جهان مدرن امروز، آن معجون‌های جادویی بیشتر در سوزن‌ها عرضه می‌شوند، نه چندان در جام. هنگامی که شیطان پس از قانون یکشنبه که به زودی خواهد آمد ظاهر شود، معجزات شفا انجام خواهد داد. معجزاتی که با معجون‌ها و تعالیم کاذب پاپیت مرتبط بود، با آن صحنه نمایانده شد که در آن شیطان به مسیح گفت معجزه‌ای انجام دهد و سنگ را به نان تبدیل کند.

تاریخ نبوتی پیش و پس از قانون یکشنبه، واجد همان خصوصیات است. دوران آزمون تصویر وحش برای ادونتیسیم که به قانون یکشنبه در ایالات متحده منتهی می‌شود، نمونه دوران آزمون تصویر وحش برای سراسر جهان است. از همین رو به ما اعلام شده است که: «همان بحران بر قوم ما در جمیع اطراف جهان واقع خواهد شد.»

معجزات شفاهای شیطانی که شیطان پس از قانون یکشنبه به انجام می‌رساند، بازنمایانگر «جادوگری‌ها»ی آنچه به اصطلاح طب نامیده می‌شود است که در طول تاریخی که از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز می‌شود، به مردم قالب می‌گردد. عیسی فرمود که: «انسان تنها به نان زنده نخواهد بود، بلکه به هر کلام خدا.» «غذای» روم، سنت‌ها و آداب است که او آنها را برتر از کلام خدا قرار می‌دهد.

«در جنبش‌هایی که اکنون در ایالات متحده برای جلب حمایت دولت از نهادها و رسوم کلیسا در جریان است، پروتستان‌ها در جای پای پاپ‌گرایان گام برمی‌دارند. بلکه افزون بر این، آنان در را برای پاپیت می‌گشایند تا در آمریکای پروتستان، آن برتری‌ای را که در جهان قدیم از دست داده است، باز یابد. و آنچه به این جنبش اهمیتی فزون‌تر می‌بخشد، این واقعیت است که مقصود اصلی مورد نظر، تحمیل رعایت یکشنبه است—رسمی که منشأ آن روم است و روم آن را نشانه اقتدار خود می‌داند. این روح پاپیت است—روح همنوایی با رسوم دنیوی، و حرمت نهادن به سنت‌های انسانی بالاتر از احکام خدا—که در کلیساهای پروتستان نفوذ کرده و آنان را به همان کار برکشیدن یکشنبه سوق می‌دهد که پاپیت پیش از ایشان انجام داده است.» جدال عظیم، 573.

روایت اور رسم و رواج وہ عقیدتی "خوراک" ہیں جنہیں درندہ کلام خدا کے بدلے میں رکھتا ہے، تاکہ وہ اپنی مشرکانہ بت پرستی کو بلند کرے۔

"كيف تستطيع الكنيسة الرومانية أن تبرئ نفسها من تهمة عبادة الأوثان، فهذا ما لا نستطيع أن نرى سبيلًا إليه. صحيح أنها تعلن أنها تعبد الله من خلال هذه الصور؛ وهكذا فعل بنو إسرائيل حين سجدوا أمام العجل الذهبي. لكن غضب الرب اشتعل عليهم، وقتل كثيرون. لقد حكم الله عليهم بأنهم عبدة أوثان أثمة، ويسجل اليوم الحكم عينه في أسفار السماء على الذين يعبدون صور القديسين وما يسمون رجالًا مقدسين."

»و این همان دینی است که پروتستان‌ها دارند با چنان نظر مساعدی به آن می‌نگرند، و که سرانجام با پروتستانیسم متحد خواهد شد. با این همه، این اتحاد از راه تغییری در کاتولیسیسم تحقق نخواهد یافت؛ زیرا روم هرگز تغییر نمی‌کند. او مدعی عصمت است. این پروتستانیسم است که تغییر خواهد کرد. پذیرفتن اندیشه‌های آزادمنشانه از سوی آن، وی را به جایی خواهد رساند که بتواند دست کاتولیسیسم را بفشارد. «کتاب مقدس، کتاب مقدس، بنیاد ایمان ماست»، این فریاد پروتستان‌ها در زمان لوتر بود، حال آنکه کاتولیک‌ها فریاد می‌زدند: «پدران، عادت، سنت.» اکنون بسیاری از پروتستان‌ها دشوار می‌یابند که تعالیم خود را از کتاب مقدس اثبات کنند، و با این حال شجاعت اخلاقی آن را ندارند که حقیقتی را بپذیرند که مستلزم صلیب است؛ از این رو، به شتاب به موضع کاتولیک‌ها نزدیک می‌شوند و، با به کار بردن بهترین استدلال‌هایی که برای گریز از حقیقت در اختیار دارند، به شهادت پدران، و به عادات و اوامر انسان‌ها استناد می‌کنند. آری، پروتستان‌های قرن نوزدهم در بی‌ایمانی خود نسبت به کتب مقدس، به شتاب به کاتولیک‌ها نزدیک می‌شوند. اما امروز نیز میان روم و پروتستانیسم لوتر، کرنر، ریدلی، هوپر، و آن سپاه شریف شهیدان، همان قدر دره‌ای ژرف و پهناور فاصله است که در زمانی بود که این مردان آن اعتراضی را به عمل آوردند که نام پروتستان را به ایشان بخشید.»

»مسیح یک پروتستان بود. او بر ضد عبادت صوری قوم یهود اعتراض کرد؛ همانانی که مشورت خدا را بر ضد خود رد کردند. او به ایشان گفت که احکام انسان را به جای تعالیم عرضه می‌کنند، و مدعیان و ریاکاران‌اند. مانند قبرهای سفیدشده، از بیرون زیبا بودند، اما درون آکنده از ناپاکی و فساد. مصلحان به مسیح و رسولان باز می‌گردند. آنان بیرون آمدند و خود را از دینی مبتنی بر صورت‌ها و تشریفات جدا ساختند. لوتر و پیروانش دین اصلاح‌شده را ابداع نکردند. آنان صرفاً آن را همان‌گونه که به وسیله مسیح و رسولان ارائه شده بود پذیرفتند. کتاب مقدس به ما به عنوان راهنمایی کافی ارائه شده است؛ اما پاپ و کارگزارانش آن را از مردم دور می‌سازند، گویی که لعنتی است، زیرا تظاهرهای ایشان را آشکار می‌کند و بت پرستی‌شان را نکوهش می‌نماید.»
Review and Herald, June 1, 1886

معجزات شفا، جو روحانیت کی بنیاد بنتی ہیں، اسی کا اصل سرمایہ اور ذریعہ کسب ہیں۔

بسیاری می‌کوشند تظاهرات روحانی را چنین توجیه کنند که آن‌ها را یکسره به تقلب و تردستی مدیوم نسبت دهند. اما هرچند درست است که نتایج نیرنگ، بارها به عنوان تظاهراتی حقیقی قالب شده است، با این همه، نمایش‌های آشکاری از قدرتی مافوق طبیعی نیز وجود داشته است. آن کوبش‌های مرموزی که اسپیریٹیزم جدید با آن آغاز شد، حاصل فریب یا زیرکی انسانی نبود، بلکه عمل مستقیم فرشتگان شریر بود که بدین سان یکی از کامیاب‌ترین فریب‌های هلاک‌کننده جان‌ها را وارد ساختند. بسیاری، از راه این باور که اسپیریٹیزم صرفاً فریبی انسانی است، به دام خواهند افتاد؛ چون رودرو تظاهراتی قرار گیرند که نتوانند جز مافوق طبیعی‌شان بدانند، فریب خواهند خورد و به پذیرفتن آن‌ها به مثابه قدرت عظیم خدا سوق داده خواهند شد.

„این اشخاص شہادتِ کتبِ مقدس را دربارهٔ شگفتی‌هایی که شیطان و عاملان او به عمل می‌آورند، نادیده می‌گیرند. به واسطهٔ یاری شیطانی بود که جادوگران فرعون قادر شدند کار خدا را جعل و تقلید کنند. پولس شہادت می‌دهد که پیش از ظهور دوم مسیح، ظہوراتِ مشابهی از قدرتِ شیطانی وجود خواهد داشت. آمدن خداوند باید با 'عمل شیطان با هر گونه قوت و آیات و عجایب دروغین، و با هر فریب ناراستی' پیشی گرفته شود. 2 Thessalonians 2:9,10. و رسول یوحنا، در توصیف قدرتِ معجزه‌گری که در ایام آخر ظاهر خواهد شد، اعلام می‌دارد: 'و عجایب عظیم می‌نماید، چنان‌که آتش را از آسمان در برابر مردمان بر زمین فرومی‌آورد، و ساکنان زمین را به وسیلهٔ آن معجزاتی که قدرت انجام آن‌ها را یافته بود، فریب می‌دهد.' Revelation 13:13, 14. در اینجا صرفاً فریب‌کاری‌های ظاہری پیشگویی نشده است. مردم به وسیلهٔ معجزاتی فریب می‌خورند که عاملان شیطان قدرت انجام آن‌ها را دارند، نه آنچه را که فقط تظاهر به انجام آن می‌کنند." The Great Controversy, 553.

تعلیماتِ باطله جو رسوم و روایات پر قائم کی گئی ہیں، معجزات کی روحانیت پرستانہ مظاہرات، جعلی طبی و صنعتی صنعت، اور کلیسائی چالبازی کا ریاستی سیاست کے ساتھ امتزاج—یہ سب کیتھولکیت کے حیوان کی صفات ہیں۔ تکرار اژدہا کی قوت کی ایک خصوصیت ہے۔ گستاخانہ خوداعتمادی مرتد پروٹسٹنٹ ازم کے جھوٹے نبی کی خصوصیت ہے۔

او عیسیٰ، جو رُوحُ القُدس سے معمور تھا، یردن سے لوٹا اور رُوح کی ہدایت سے بیابان میں لے جایا گیا، جہاں وہ چالیس دن تک ابلیس کے ہاتھوں آزمایا جاتا رہا۔ اور اُن دنوں میں اُس نے کچھ نہ کھایا؛ اور جب وہ دن پورے ہوئے تو اُسے بھوک لگی۔ تب ابلیس نے اُس سے کہا، اگر تو خدا کا بیٹا ہے تو اِس پتھر سے کہہ کہ روٹی بن جائے۔ اور عیسیٰ نے اُسے جواب دیا، یہ لکھا ہے کہ آدمی صرف روٹی ہی سے زندہ نہ رہے گا بلکہ خدا کے ہر کلام سے۔ لوقا 4:1-4۔

گمان ہے جا ایک اسم ہے جو کسی بات کو کافی شہادت یا ثبوت کے بغیر درست سمجھ لینے کے عمل یا مثال کے لیے بولا جاتا ہے۔ اس میں نامکمل یا ناکافی معلومات کی بنیاد پر کوئی رائے قائم کرنا یا کوئی نتیجہ اخذ کرنا شامل ہوتا ہے۔ گمان ہے جا اس امر پر بھی دلالت کر سکتا ہے کہ انسان اپنے اس مفروضے پر ایک درجہ کا اعتماد رکھتا ہے، اگرچہ وہ اعتماد پوری طرح جائز نہ بھی ہو۔

پروتستانٹیسزم مرتد، روز یکشنبہ را بہ عنوان روز عبادتِ خدا پذیرفته است، بی‌آنکہ هیچ دلیلی از کلام خدا برای پشتیبانی از آن اندیشہ باطل داشته باشد؛ و این کار را در حالی انجام می‌دهد کہ آگاہانہ خود را پروتستان می‌خواند، جماعتی کہ شعارشان «تنہا کلام خدا» است، یا چنان کہ مارتین لوتر اعلام کرد: «Scriptura Scriptura» آنان بر آن اند کہ این امر را بر بنیادِ سنن و آدابِ کلیسای روم بپذیرند، یا شاید صرفاً بہ عنوان میراثی پذیرفته شدہ از نیاکان خویش. در فریادِ بلندِ فرشتہ سوم، این حقیقت کہ مطلقاً هیچ توجیہی برای پرستش خورشید کہ از کتاب مقدس بتوان ارائه کرد وجود ندارد، بہ روشنی آشکار خواهد شد؛ و آنگاہ کسانی کہ در این پندارِ باطل خود پافشاری کنند، نشان وحش را دریافت خواهند کرد.

”اگر نور حقیقت بہ شما عرضہ شدہ باشد، بہ گونه‌ای کہ سبتِ فرمانِ چہارم را بر شما آشکار سازد و نشان دہد کہ در کلام خدا هیچ بنیانی برای نگاہ داشتِ یکشنبہ وجود ندارد، و با این ہمہ شما همچنان بہ سبتِ کاذب بچسبید و از مقدس شمردن سبتی کہ خدا آن را «روز مقدس من» می‌خواند سر باز زنید، آنگاہ نشانِ وحش را دریافت می‌کنید. این در چہ زمانی رخ می‌دہد؟—آنگاہ کہ از فرمانی اطاعت می‌کنید کہ شما را امر می‌کند روز یکشنبہ از کار دست بکشید و خدا را عبادت کنید، در حالی کہ می‌دانید در کتابِ مقدس حتی یک کلمہ نیز وجود ندارد کہ نشان دہد یکشنبہ چیزی جز یک روز عادی کار است، شما بہ دریافتِ نشانِ وحش رضایت می‌دهید و مہر خدا را رد می‌کنید. اگر این نشان را بر پیشانی‌های خود یا بر دست‌های خود دریافت کنیم، داورِی‌هایی

که بر نافرمانان اعلام شده است، ناگزیر بر ما فرود خواهد آمد. اما مَهرِ خدای زنده بر کسانی نهاده می‌شود که با وجدان بیدار، سبّتِ خداوند را نگاه می‌دارند. "Review and Herald, April 27, 1911.

کمزوری‌ای که عموماً برای حزب جمهوری‌خواه شناخته می‌شود، آمادگی ایشان برای این فرض است که رقیبان سیاسی‌شان منصف و صادق‌اند، حال آنکه ثمرات حزب دموکرات به روشنی آشکار می‌سازد که آنان فرزندان پدر دروغ‌ها هستند. جمهوری‌خواهان بارها و به‌طور مستمر رقیبان سیاسی خود را بر اساس سخن خودشان می‌پذیرند، در حالی که بارها و بارها به ایشان نشان داده شده است که رقیبانشان هرگز به قول خود وفا نمی‌کنند. آنان انگیزه‌های صادقانه را به کسانی نسبت می‌دهند که مکرراً هیچ توجیه عقلانی‌ای برای پشتیبانی از این فرافکنی‌های معیوبِ جمهوری‌خواهان درباره صداقت و درستکاری مورد انتظار از خود بروز نداده‌اند. همچنین درست است که بسیاری از جمهوری‌خواهان از پایداری بر اصول، به سبب منفعت مالی شخصی، یا به سبب اوضاع پنهان غیراخلاقی که موجب می‌شود به آسانی تحت نفوذ و دستکاری قرار گیرند، سر باز می‌زنند؛ اما صفت نبوی اصلی حزب جمهوری‌خواه، گستاخی presumptuous است.

این صفتِ جسارتِ خودسرانه است که در پروتستان‌های مرتد، به گونه‌ای نبوی مشخص شده و به آنان مجال می‌دهد و انمود کنند که موضع برتر اخلاقی و سیاسی را اختیار کرده‌اند؛ حال آنکه در واقع، مسئولیت‌های مدنی خویش را با این انتظارِ پوچ وانهاده‌اند که مخالفان سیاسی‌شان به وعده خود وفا خواهند کرد. تعریف بسیار رایجِ جنون آن است که کسی بارها و بارها همان کار را انجام دهد، در حالی که انتظار نتیجه‌ای متفاوت داشته باشد؛ باین‌همه، جمهوری‌خواهان استدلال می‌کنند که این دموکرات‌ها هستند که به جنون مبتلا شده‌اند، چنان‌که این امر در نفرتِ ایشان از ترامپ آشکار شده است.

باین‌حال، جنونِ جمهوری‌خواهان بارها و بارها آشکار می‌شود، آنگاه که با این فرض که سازش جزئی از کارکرد فرایند قانون‌گذاری است، به سازش تن می‌دهند؛ حال آنکه مصالحه‌های سیاسی ایشان، که مدعی‌اند بر اصل «فرایند قانون‌گذاری» مبتنی است، با طبقه‌ای صورت می‌گیرد که هرگز سازش نمی‌کند. دموکرات‌ها تنها زمانی در فرایند سیاسی از موضع خود عقب‌نشینی می‌کنند که به سبب شمار مخالفان خود به‌طور کامل مهار شده باشند. آنان هرگز هیچ شاهدهی بر این ارائه نکرده‌اند که در فرایند سیاسی حقیقتاً در پی موضعی میانه باشند. جنونِ جمهوری‌خواهان در خوش‌بینی‌های مکرر و بی‌وجه آنان نسبت به دیگران است.

بے شک ڈونلڈ ٹرمپ کے حامیوں کی بہت بڑی اکثریت اس حقیقت کی گواہی دے گی کہ ٹرمپ کی بدترین صفت یہ ہے کہ وہ اپنی مہم و مقصد کے حامیوں کے طور پر آدمیوں کو قبول کرنے پر آمادہ ہے، حالانکہ دستیابِ شواہد یہ ظاہر کرتے ہیں کہ یہ انتخاب کرنا ٹرمپ کی جانب سے سراسر جسارتِ ناروا تھا۔ جسارتِ ناروا مرتد پروٹسٹنٹ کی نبوتی صفت ہے۔ شیطان نے بائبل کا حوالہ دے کر مسیح کو آزمایا، لیکن ایسا کرتے ہوئے شیطان نے اس عبارت کو توڑ مروڑ کر ایک بے جا اور غیر کتاب مقدسی آزمائش میں بدل دیا۔

او او را به اورشليم برد و بر فراز کنگرہٗ هیکل قرار داد و به او گفت: اگر پسر خدا هستی، خود را از اینجا به زیر افکن؛ زیرا مکتوب است: «او به فرشتگان خود دربارهٔ تو فرمان خواهد داد تا تو را محافظت کنند؛» و ایشان تو را بر دست‌های خود خواهند برداشت، مبدا پای خود را به سنگی بزنن. و عیسی در پاسخ او گفت: «گفته شده است: یهوه خدای خود را میازما.» لوقا ۹:۴-۱۲.

در قانون قریب‌الوقوع یکشنبه، این پروتستان‌های ایالات متحده خواهند بود که حکم کتاب مقدسی بازایستادن از کار در روز سبت را گرفته، و فرمان عبادت خدا در سبت روز هفتم را به حکمی ساختگی تحریف خواهند کرد، بدین معنا که در واقع این روز خورشید متعلق به بت‌پرستی است که انسان‌ها

ملزم اند در آن عبادت کنند. آنان عبارتی از کتاب مقدس را به آزمونی ناروا و غیر کتاب مقدسی تحریف خواهند کرد.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

"میں نے دیکھا کہ دو سینگوں والے حیوان کا منہ اڑدبا کا سا تھا، اور یہ کہ اس کی قدرت اس کے سر میں تھی، اور یہ کہ فرمان اس کے منہ سے صادر ہوگا۔ پھر میں نے فاحشاؤں کی ماں کو دیکھا؛ کہ ماں بیٹیاں نہ تھی، بلکہ اُن سے الگ اور ممتاز تھی۔ اُس کا اپنا زمانہ رہا ہے، اور وہ گزر چکا ہے، اور اُس کی بیٹیاں، یعنی پروٹسٹنٹ فرقہ، اسٹیج پر آئے اور اُسی ذہنیت کو عمل میں لانے کے لیے اگلی تھیں جو ماں کے پاس تھی جب اُس نے مقدسین پر ایذا رسانی کی۔ میں نے دیکھا کہ جس طرح ماں اقتدار میں گھٹتی جا رہی تھی، اُسی طرح بیٹیاں بڑھتی جا رہی تھیں، اور عنقریب وہ اُس قدرت کو استعمال کریں گی جو کبھی ماں استعمال کرتی تھی۔"

"میں نے دیکھا کہ برائے نام کلیسیا اور برائے نام ایڈونٹسٹ، یہوداہ کی مانند، ہمیں کیتھولکوں کے حوالے کر دیں گے تاکہ ان کا اثر و رسوخ حاصل کر کے حق کے خلاف آئیں۔ اُس وقت مقدسین ایک گمنام اور غیر معروف قوم ہوں گے، کیتھولکوں کے درمیان بہت کم جانے جاتے ہوں گے؛ لیکن کلیسیائیں اور برائے نام ایڈونٹسٹ، جو ہمارے ایمان اور ہمارے طور طریقوں سے واقف ہیں (کیونکہ وہ سبت کے سبب ہم سے نفرت رکھتے تھے، اس لیے کہ وہ اس کی تردید نہ کر سکتے تھے)، مقدسین سے غداری کریں گے اور اُن کی خبر کیتھولکوں کو دیں گے کہ یہ وہ لوگ ہیں جو لوگوں کے مروجہ اداروں کو خاطر میں نہیں لاتے؛ یعنی یہ کہ وہ سبت کو مانتے ہیں اور اتوار کو نظر انداز کرتے ہیں۔"

"پھر کیتھولک پروٹسٹنٹوں کو آگے بڑھنے کا کہیں گے، اور ایک فرمان جاری کریں گے کہ جو کوئی ہفتہ کے ساتویں دن کے بجائے ہفتہ کے پہلے دن کی پابندی نہ کرے، وہ قتل کر دیا جائے۔ اور کیتھولک، جن کی تعداد بہت زیادہ ہے، پروٹسٹنٹوں کا ساتھ دیں گے۔ کیتھولک اپنی قوت حیوان کی شبیہ کو دے دیں گے۔ اور پروٹسٹنٹ، جس طرح اُن کی ماں نے اُن سے پہلے کیا تھا، مقدسین کو ہلاک کرنے کے لیے عمل کریں گے۔ لیکن اُن کے فرمان کے نتیجہ لانے یا ثمر آور ہونے سے پہلے، مقدسین خدا کی آواز کے ذریعے نجات پائیں گے۔" Spalding and Magan, 1, 2.